

خیانتی به بهانه حجاب
(یادداشت دانشجویی درباره‌ی مسیح علینژاد)

حجاب گرونه!

شغل من، مادری است

۵۰۰ عمل جراحی موفق توسط نابغه ۳۰ ساله
محببه ایرانی

سیستم ایمنی زنان قوی‌تر از
مردان؟!!

نقد فیلم شبی که ماه کامل شد

...هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ

آینه جمال



فصلنامه بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی زنجان
شماره اول - تابستان ۹۸



خدایا!

چه لذت بخش است گذر نسیم یاد تو بر دلها و چه زیباست پرواز پرندۀ خاطره تو بر قلبها و چه شیرین است پیمودن اندیشه در جاده ی غیب ها بسوی تو.

چه روح می بخشد گام زدن در مسیر عرفان تو و چه جان می دهد ایمان به غیب تو.

خدای من! محبوب من! چه خوش است طعم عشق تو.

چه شوق آفرین است نگاه عاشقانه تو.

چه تکان دهنده است توجه مهرآمیز تو.

چه شیرین است زندگی در کنار تو و در زیر سایه لطف تو.

چه لذت بخش است گرمای دست نوازش تو.

خدای من!

چه آرامش هیجان انگیزی می بخشد نگرستن به چشمهای تو.

چه بی قراری آرامی است بر در خانه ی محبت تو.

محبوبم!

نه تنها از خویش مران که در کنارم گیر و دامنت را پناه جاودانه من ساز.

مرا از نزدیکترین عارفان و شایسته ترین بندگان و راستگوترین معلمان و خالص ترین عبادت کنندگان و مخلص ترین روی به تو آوردگانت قرار ده.

ای خلاق بزرگیها و ای آفریننده عظمت ها! و ای در وجود آورنده ی رتبه های بلند!

ای عظیم! ای جلیل! ای بخشنده کرم و ای کرامت محض! ای دست گیرنده و به مقصد رساننده!

تو را سوگند به رحمت و نعمت بی منتهایت که اجابت کن!

ای مهربانتر بخشنندگان!



فصلنامه علمی_سیاسی_فرهنگی و اجتماعی

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی زنجان

شماره اول_تابستان ۱۳۹۸_۲۰ صفحه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم

پزشکی زنجان

مدیرمسئول: زهرا سلیمانی

سردبیر: زهرا امینی

هیئت تحریریه: فاطمه امیرخانی، زهرا امینی،

حدیثه بیات، زهرا ترینیا، محدثه جهان بخشی، رویا

چگینی، زهرا سلیمانی، مرضیه شقاقی

گرافیک و صفحه آرایی: زهرا سلیمانی

طراحی لوگو: محمد رجبی

کانال تلگرامی:

@bzums_ir

۵۰۰ عمل جراحی موفق توسط نابغه ۳۰ ساله

محببه ایرانی_ ۱

سیستم ایمنی زنان قوی تر از مردان؟!_ ۴

نقد فیلم شبی که ماه کامل شد_ ۵

خیانتی به بهانه حجاب_ ۷

...هَنْ لِبَاسٍ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ_ ۹

حجاب گروه_ ۱۱

شغل من، مادری است_ ۱۵

آینه جمال_ ۱۶

سخن سردبیر

فاطمه من بودم

زلیخای عزیز مصر و دل‌باخته‌ی یوسف هم من بودم

زن لوط، زن ابولهب و زن نوح

ملکه‌ی سبا من بودم و فاطمه‌ی زهرا من...

و زن، فرشته‌ایست درون خود که اگر بیدار شود، محبتش جهان را لبالب خواهد کرد...

سرانجام پس از تلاش‌های بسیار، با لطف و عنایت پروردگار، توانستیم چاپ جلد اول این نشریه را کلید بزنیم و امید داریم بتوانیم گوشه‌ای از درخشش و

توانایی‌ها، دانستنی‌ها، معضلات، حقایق و نیز در نهایت تصویری از بانوان را در این فصل‌نامه به نمایش بگذاریم.

شروع هر کاری با مشکلات و کم و کاستی‌های زیادی همراه است که می‌توان به پای بی‌تجربگی گذاشت. با انتقادات و پیشنهادات سازنده و نیز همکاری

شما عزیزان همراه، می‌کوشیم روز به روز بر تجربه‌ی خود بیفزاییم و پیشرفت کنیم و بتوانیم آن چه که از گروهی دانشجوی دغدغه‌مند انتظار می‌رود، به

تحریر درآوریم.

و در آخر از تمام کسانی که در این مدت کوتاه، حداکثر یک ماه، با ما همراه گشتند، تمام تلاش و همت خود را بدرقه‌ی راه کردند و موجب دلگرمی ما

بوده‌اند، کمال تشکر و سپاس را داریم.



۵۰۰ عمل جراحی موفق توسط نابغه ۳۳ساله مجرب ایرانی

«دکتر سهیلا سامی دفتر ۳۳ساله ایرانی»

سهیلا سامی، نخبه‌ی رشته‌ی مغز و اعصابی است که با ۳۰ سال سن، بیش از ۵۰۰ عمل جراحی موفق را در حیطه‌ی مغز و اعصاب انجام داده‌است. او پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی در ایران، به خارج از کشور رفته و در دانشگاه **GOLF MEDICAL** شهر اجمان [امارات متحده عربی - دانشکده پزشکی] تحصیلات خود را ادامه داده‌است. او اکنون رزیدنت سال آخر جراحی مغز و اعصاب و دستیار پروفسور سمیعی در آلمان می‌باشد. پس از جست‌وجوهای فراوان در مورد زندگی‌اش، یک مصاحبه‌ی جالب و جامع پیدا کردم که در ادامه خواهیم دید و بیشتر با او آشنا خواهیم شد:



فشارهایی که در ذهن پزشک از بابت حفظ سلامت بیمار وجود دارد را داشته باشد.

- در فضای مجازی چند بار شما را به‌عنوان شاگرد پروفسور سمیعی معرفی کردند. آیا این صحت دارد؟ حدود سه و نیم سال است که در مرکز مغز و اعصاب هانوفر (**International Neuroscience Institute**) زیر نظر پروفسور سمیعی، رزیدنتی جراحی مغز و اعصاب را شروع کردم. البته پروفسور سمیعی شاگردان زیادی دارد؛ به‌طوری که شاید در طی این سال‌ها بیش از ۱۰۰۰ نفر دوره پیش استاد گذرانده و بیش از ۱۰۰ نفر رزیدنتی خود را با پروفسور سمیعی بوده‌اند.



- نظرتان در مورد دکتر سمیعی؟

بی‌شک و بدون اغراق، پروفسور سمیعی بهترین جراح مغز و اعصاب دنیا است و این حرفم به خاطر ایرانی بودن پروفسور نیست؛ بلکه باید در محیط جراحی استاد قرار بگیرید و نوع جراحی‌شان را ببینید. آن موقع باورتان خواهد شد که او بهترین جراح مغز و اعصاب دنیا است. به عقیده من پروفسور سمیعی یک پدیده‌ی تکرارنشده‌ی هستند و شاید به عنوان فرد کوچک جامعه‌ی پزشکی، نظر من مهم نباشد ولی همه می‌توانند به ویدیوهای مربوط به تولد ۸۰سالگی پروفسور در فضای مجازی نگاه کنند که چگونه بزرگان و جراحان مغز و اعصاب در مورد او حرف می‌زنند و یا کتاب و مقالات زیادی در موردشان وجود دارد که همگی قابل استناد برای بهترین بودن پروفسور سمیعی است. پروفسور سمیعی به عنوان رئیس کنگره‌ی جراحان دنیا انتخاب شده و همچنین در سال ۲۰۱۸ منتخب جراح سال شدند و همه‌ی این‌ها نشان از برتر بودن ایشان است. - آیا شما هم مثل پروفسور سمیعی در ایران به مداوای مریضان می‌پردازید؟

من از طریق فضای مجازی و صفحات اجتماعی خود به افرادی که نیازمند راهنمایی و مشاوره هستند، کمک کرده و در سفرهایی که به ایران داشتم حتما افرادی که نیاز به مشاوره داشته‌باشند را راهنمایی می‌کنم که البته تعداد زیادی مراجعه می‌کنند و برخی از مریضان نیز به آلمان سفر کرده و در مرکز جراحی مغز و اعصاب هانوفر مورد عمل جراحی قرار گرفته‌اند. بنده هم در یکی دو سال آینده به ایران بازگشته و در آنجا فعالیت خواهم کرد. (در مصاحبه‌ی دیگری وقتی از او پرسیده می‌شود آیا به ایران باز خواهد گشت یا نه جواب می‌دهد: «**ترجیح می‌دهم در ایران خدمت کنم**»)

بیش از ۵۰۰ عمل جراحی را به تنهایی انجام دادم.



- تا الان چند عمل جراحی انجام دادید؟

تعداد جراحی‌هایی که به تنهایی انجام دادم، به بیش از ۵۰۰ عمل می‌رسد ولی تعداد جراحی‌هایی که به عنوان دستیار و کمک جراح بودم و به صورت مشترک انجام دادیم، شاید بیش از **سه هزار جراحی** باشد.

- اولین عملی که انجام دادید یادتان هست؟ چه حسی داشتید؟

با توجه به اینکه ما عمل‌های زیادی داریم که برخی از آن‌ها ساده است، یادم می‌آید وقتی اولین عمل پیچیده‌ی مغزی را انجام دادم، بسیار خوشحال بودم و حس خوبی داشتم از اینکه به توانایی



خود پی‌بردم؛ چراکه افراد زیادی هستند که وارد این رشته شده‌اند ولی بعد از چند سال متوجه عدم توانایی خود می‌شوند و بلافاصله از آن فضا خارج می‌شوند.

- قبل از جراحی استرس دارید؟ معمولا چه می‌کنید؟ چه می‌گویید؟

قبل از برخی جراحی‌های حساس همانند یک بازیکن قبل مسابقه هستم و خود را از لحاظ فکری و ذهنی آماده می‌کنم و سعی دارم تا استرسی نداشته‌باشم. چراکه استرس، حالت ترس داشته و هوشیاری ذهنی را می‌گیرد؛ از این رو همیشه یک ساعت قبل از هر جراحی به پروسه‌ی جراحی و کارهایی که قرار است بکنم، فکر می‌کنم و آن‌ها را در ذهنم مرور می‌کنم.

ذکر خاصی نمی‌گویم ولی طبق اعتقادات و باورهایی که دارم، همیشه وقتی از خانه بیرون می‌روم، توکل بر خدا کرده و خود را به تقدیر الهی می‌سپارم. البته قبل از اینکه وارد اتاق عمل شوم، نام خدا را یاد کرده و از او کمک می‌خواهم.

من با انتخاب و آگاهی حجاب را برگزیدم

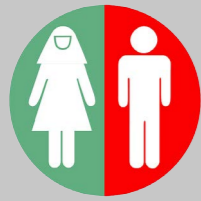
- با توجه به اینکه شما موقعیت بسیار خوبی دارید و یک بانوی موفق هستید و ساکن خارج از کشور، ولی در تمام تصاویر و جراحی‌ها با حجاب کامل دیده می‌شوید. دلیل آن چیست؟

این سوال را همه از من می‌پرسند و من علاقه‌ی زیادی به پاسخ‌گویی ندارم؛ چراکه من با انتخاب و آگاهی حجاب را برگزیدم و این دیگر داخل و خارج از کشور ندارد. به عقیده‌ی من میزان انتخاب پوشش، به فرد بستگی دارد و **من هم همان‌طوری که در آلمان پوشش دارم، به همان میزان در ایران دارم.**

- رعایت حجاب برای شما محدودیتی ایجاد کرده‌است؟

حجاب در زمینه‌ی جراحی برای من محدودیتی ایجاد نکرده‌است و حتی در اتاق عمل که یک محیط کاملا استریل است و مدام باید دست‌های خود را شست و در کنار همکاران آقا و خانم کار کرد، تاکنون هیچ مشکلی برای من ایجاد نشده‌است.

البته بر این باور نیستم که با حجاب می‌توان همه‌ی کار را



سیستم ایمنی زنان قوی‌تر از مردان؟!

X است و به همین دلیل است که زنان سیستم ایمنی بهتری نسبت به مردان دارند.»

به جز وجود ۲ کروموزوم X در زنان، هورمون‌های جنسی استروژن و پروژسترون نیز نقش مهمی در سلامت نسبی زنان نسبت به مردان بازی می‌کنند. تولید هورمون استروژن که در بدن زنان صورت می‌گیرد، می‌تواند تأثیرات مفیدی روی واکنش بدن نسبت به التهابات درونی و علیه عوامل بیماری‌زای باکتریایی داشته باشد. در واقع، حضور استروژن، تأثیر سودمندی روی سیستم ایمنی درونی دارد که نماینده‌ی اولین خط دفاعی بدن علیه ارگانیسم‌های بیماری‌زا است.

دانشمندان پی برده‌اند که هورمون استروژن، نقش اصلی را در فرونشاندن پروسه‌ی التهاب در بدن دارد؛ یعنی بدن زنان زودتر و راحت‌تر از مردان از عهده‌ی بیماری‌ها برمی‌آیند. بک، محقق و پزشک مرکز بهداشتی دانشگاه مک گیل در این باره گفته: «هورمون استروژن در واقع، مانع از تولید آنزیم caspase-۱۲ می‌شود و از این طریق مانع آغاز پروسه‌ی التهاب می‌شود.»

استروژن، هم‌چنین از سرعت پیر شدن بدن کم می‌کند. بنابراین احتمال این‌که زن‌ها عمر طولانی‌تر داشته باشند، بیشتر است.

البته مسئله به این سادگی نیست که بگوییم به خاطر یک کروموزوم X اضافی و هورمون‌های زنان، زنان بدن سالم‌تری دارند اما در مجموع می‌توان گفت که این عوامل در کنار برخی مسائل دیگر مثل شیوه‌ی زندگی و محیط، سلامت کل فرد را رقم می‌زند. برای مثال تأثیر منفی هورمون‌های مردانه و سطح بالای سوخت و ساز پایه در پسرها سبب شده آن‌ها حساس‌تر شوند و در برابر بیماری‌های شایع‌تر مانند سرطان‌ها - بیماری‌های قلبی - بیماری‌های مغزی - دیابت - سیروز کبدی و بیماری‌های کودکان، بسیار آسیب‌پذیرترند.

و در آخر این نکته فراموش نشود که واکنش‌های قوی ایمنی هم‌وزن و سلولی در بدن زنان، باعث شیوع بیشتر بیماری‌های خودایمنی مانند لوپوس در خانها می‌شود.

همه‌ی ما می‌دانیم که زنان و مردان از بسیاری جهات، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که دامنه‌ی این تفاوت‌های جنسیتی حتی از مبحث فیزیولوژی و رفتار نیز فراتر رفته‌است. یکی از این تفاوت‌ها را در مکانیزم سیستم ایمنی زنان و مردان می‌توان دید.

طی مطالعات جدید، محققان دریافته‌اند که سیستم ایمنی بدن زنان، قوی‌تر عمل کرده و رفتار بهتری از خود نشان می‌دهد و در صورت ابتلا به بیماری‌های عفونی، سریع‌تر بهبود می‌یابد. به گفته‌ی محققان، سیستم دفاعی زنان به دلیل نقش مهمی که در تولید مثل و پرورش کودکان ایفا می‌کند، از سیر تکاملی بهتری برخوردار می‌باشد. ظاهراً این‌که مردان قوی‌تر هستند یا زنان، نبردی بی‌پایان است اما آن‌چه مسلم است این است که مردان در مواجهه با ویروس‌ها بیشتر مریض می‌شوند یا حداقل بیماری‌ها آن‌ها را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهند ولی زن‌ها با وجود مریضی هم به کار و زندگی و هم به فرزندانشان می‌رسند.

اما علت این تفاوت چیست؟

تفاوت‌های زنان و مردان در تعداد کروموزوم X آن‌هاست و نکته‌ی جالب این‌که تفاوت طول عمر زن‌ها و مردها هم احتمالاً به همین کروموزوم‌ها مربوط می‌شود که علت پنج تا ده سال طول عمر متوسط بیشتر زنان نسبت به مردان و مبتلا نشدن آن‌ها به برخی بیماری‌ها می‌باشد.

بر اساس گزارش روزنامه‌ی دیلی تلگراف، علت مقاومت بیشتر زنان در مقابله با بیماری‌ها و عفونت‌ها، وجود micro RNAها در بدن زنان است. این دسته از RNAهای کوتاه‌زنجیر، ۱۸ تا ۲۴ نوکلئوتید دارند و در تنظیم بیان ژن در سطح پس از رونویسی، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. هم‌چنین این micro RNAها نقش مهمی در سیستم ایمنی ذاتی و اکتسابی دارند و روی کروموزوم X، کدگذاری می‌شوند.

از آن‌جا که مردان فقط یک کروموزوم X دارند، لذا در این زمینه متضرر شده‌اند؛ در حالی که زنان به دلیل جنسیتشان دارای ۲ کروموزوم X هستند. دکتر دیوید پیستسکی، فوق تخصص روماتولوژی در دانشگاه دوک در دوره‌ام آمریکا می‌گوید: «به طور متوسط، طول عمر زنان بیشتر از مردان است و به طور کلی، آن‌ها کمتر به برخی از بیماری‌های عفونی مبتلا می‌شوند. شاید علت برخی مشکلات مردان این است که آن‌ها از خیلی ژن‌ها فقط یک نسخه دارند و ژن حمایت‌کننده از آن را ندارند اما در عوض، زنان ۲ نسخه از این ژن‌ها را دارند. طی تحقیقات دیگری که محققان بلژیکی در دانشگاه گنخ انجام داده‌اند، به بررسی رابطه‌ی بین ژن‌ها و عملکرد سیستم ایمنی بدن پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بیشتر ژن‌های موثر در عملکرد سیستم ایمنی بدن روی کروموزوم

علاقه‌مند به فعالیت پزشکی در ایران هستم و تمام سعی خود را برای آن انجام خواهم داد و در صورت فراهم شدن شرایط مناسب در ایران خدمت‌رسانی می‌کنم. ولی اگر شرایط برای حضور مستمر در ایران ایجاد نشد قطعاً چند ماهی از سال را در ایران به فعالیت پزشکی اختصاص خواهم داد.

جراحی مغز یک جراحی ظریفی است که با یک لایه‌ی نازک‌تر از لایه قشر تخم‌مرغ پخته شده کار می‌کنیم.
- حرف آخر؟

جراحی مغز از جمله جراحی‌های بسیار ظریفی است که یک پزشک زیر میکروسکوپ‌های قوی آن جراحی را انجام می‌دهند و به قدری کار یک جراح مغز ظریف است که روی اعصابی کار انجام می‌دهند که از مو باریک‌تر است به طوری که پوسته‌ی دور مغز مانند لایه‌ی قشر یک تخم‌مرغ پخته است و پزشکان زیر میکروسکوپ با چنین لایه‌ی ظریفی روبرو هستند و همیشه ذهن یک جراح مغز در حین عمل درگیر این است که الان با اعصاب بینایی، حرکتی، بویایی، چشایی، حافظه، صحبت کردن و فهمیدن فرد کار می‌کند.



مرضیه شقاقی



انجام داد ولی این‌گونه هم نیست که نتوان فعالیت اجتماعی، ورزش و یا دیگر موارد را انجام داد بلکه من با حجاب خود علاوه‌بر کار و درس در کشور خارجی، به فعالیت‌های ورزشی نیز ادامه می‌دهم.

برای جلوگیری از مشکلات مغزی، باید همیشه آن را فعال نگه داشت

- به نظر شما دلیل اصلی مشکلات مغزی چیست و برای پیشگیری از آن چه باید کرد؟

این یک سوال کلی بوده و دلایل بیماری‌های مغزی، بسیار متفاوت است و نمی‌توان برای همه‌ی آن‌ها یک نسخه داد. از این‌رو اگر از ابتدای تولد، مغزی سالم داشته باشیم، می‌توان با رعایت کردن نکات سلامت از مغز خود حفاظت کنیم. به طوری که هرچقدر مغز فعال‌تر بوده و به چالش کشیده‌شود و همیشه در حال آموزش و یادگیری باشد، قطعاً مغز سالم‌تری خواهد داشت.

برای نمونه، بیماری آلزایمر را مدنظر بگیرید که برای گند کردن روند پیشرفت این بیماری، بهترین راه، فعال نگه داشتن آن است؛ به گونه‌ای که اگر فرد با دست راست می‌نویسد، می‌تواند کارهایی مانند مسواک زدن و شانه زدن را با دست چپ انجام دهد. یا اگر فردی مدام در کلاس‌های آموزش درسی، یادگیری زبان و غیره است،

می‌تواند به یادگیری موسیقی بپردازد و درکل هرچقدر مغز فعال‌تر نگه داشته‌شود، می‌توان مغزی سالم‌تر داشت.

اعتماد بسیار خوبی نسبت به پزشکان و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور است.

- دیدگاه خارجی‌ها به پزشکان ایرانی چگونه است؟

یک اعتماد بسیارخوبی به پزشکان و دانشجویان پزشکی ایرانی وجود دارد و اکثرًا معتقدند که پزشکان ایرانی باهوش بوده و عملکرد خوبی دارند و بنده هیچ‌وقت نشنیده‌ام که کسی بگوید این یک پزشک ایرانی است و سطح علمی خوبی ندارد و یا جراح خوبی نیست.

- وضعیت و سطح پزشکی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

وضعیت پزشکی ایران از سطح زیر صفر تا خود ۱۰۰ است؛ چراکه ایران پزشکی دارد که جزو نوابغ دنیا هستند و سطح علمی بسیار بالایی دارند در حالی‌که می‌توان در بسیاری از کشورهای نه‌چندان پیشرفته تفاوت سطح علمی را دید.

بسیار علاقه به طبابت در ایران را دارم

- آیا به ایران سفر می‌کنید و هدفی در رابطه با طبابت در ایران دارید؟

من سالی یک یا دوبار به ایران سفر می‌کنم و این سفر بستگی به میزان مرخصی‌هایی است که می‌توانم بگیرم ولی بسیار

رویا چگینی

نقد فیلم شبی که ماه کامل شد / زهرا ترینیا



«شبی که ماه کامل شد»، نامی آشنا برای این روزهای پرده‌ی سینمای ایران است. فیلمی به کارگردانی نرگس آبیبار که از ابتدای حضورش در جشنواره‌ی فجر، توجه اهل سینما و عامه‌ی مردم را به خود برانگیخت و توانست شش سیمرغ بلورین را به خود اختصاص دهد. هوتن شکیبا، الناز شاکردوست، فرشته صدرعرفایی، پدram شریفی و آرمین رحیمیان از جمله نقش آفرینان این اثر می‌باشند.

شبی که ماه کامل شد را می‌توان از فیلم‌های مهم سینمای ایران قلمداد کرد؛ روایتی از یک داستان واقعی در سال‌های اخیر که نشان از دغدغه‌مند بودن فیلم‌ساز دارد؛ دغدغه‌ای که در آثار قبلی آبیبار از جمله شیار ۱۴۳ نیز مشهود است. فیلم با صحنه‌ی عاشقانه میان دو شخصیت اصلی، یعنی فائزه که دختری ساکن جنوب تهران و عبدالحمید که جوانی سیستانی است، شکل می‌گیرد. روایت عاشقانه در قالب صحنه‌های جذاب و رنگارنگ می‌تواند به بیننده القا کند که در حال تماشای یک فیلم عاشقانه به سبک هندی می‌باشد و این سبک تا آخر حفظ خواهد شد. عاشقانه‌ای که شاید از نگاه منتقدان، سطحی بوده ولی با این وجود توانسته مخاطب را با خود همراه کند. با وجود مخالفت دو خانواده، دو جوان سرانجام با شرط دور نشدن فائزه از مادرش ازدواج می‌کنند و زندگی آرامی دارند و فرزنددار می‌شوند. حال این‌که چطور با وجود مخالفت سرسخت دو خانواده این وصلت سر می‌گیرد، سوالی بی‌جواب در خلال فیلم می‌باشد.

نیمه‌ی دوم فیلم از سفر فائزه و عبدالحمید به سیستان شروع می‌شود؛ سفری که کم‌کم مشکلات خانوادگی عبدالحمید را برای فائزه روشن می‌کند؛ تا جایی که احساس خطر کرده و راه حل‌رهایی خود و خانواده‌اش را مهاجرت از ایران می‌داند که در نهایت با تمام جریانات که اتفاق می‌افتد، به بهانه‌ی فراهم کردن شرایط سفر به انگلستان، ادامه‌ی ماجرا در پاکستان دنبال می‌شود.

شروع بخش دوم فیلم با نمایش یک تیم تروریست در

پاکستان است که در همین صحنه متوقف می‌شود و کم‌کم با روند عادی شروع به شناساندن ریگی و گروه تروریستی جنرالده می‌کند. در پاکستان با صحنه‌های تروریستی‌ای مواجه می‌شویم که چندان به پس‌زمینه‌ی فیلم که تروریستی است، مربوط نمی‌شود و لزومی برای وجود آن‌ها دیده نمی‌شود.

در نیمه‌ی دوم، ریتم فیلم کند شده و بیننده همراه با فائزه در خانه‌ای در پاکستان محصور می‌شود و همزمان با این اتفاق، عبدالحمید در حال تبدیل از یک آدم عاشق پیشه به یک تروریست است. حال سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که عبدالحمید حتی در لحظاتی که وارد گروهک تروریستی خطرناک شده‌است، عاشق باقی می‌ماند و بیننده ناخودآگاه برای عشق او احترام قائل است؟

در چند سکانس از فیلم برای نشان دادن اوج جنایت این گروه تروریستی، شاهد صحنه‌هایی هستیم؛ مثل صحنه‌ای که فائزه در حال دیدن ویدئو است یا صحنه‌ی بریده شدن سر برادر فائزه، شهاب، که در واقع به جای انزجار و تنفر بیننده از خشونت، قبح و زشتی آن را از بین خواهد برد.

نکته‌ی مهم وقابل تامل در این اثر، نقش منفعلانه‌ی نیروهای امنیتی و پلیس است. در واقع ما با هیچ نیروی مثبتی که در مقابل این هجم از خشونت و جنایت قد علم نکنند و جواب آن را بدهند، روبه‌رو نیستیم. پلیسی که در فیلم حضور دارد، منفعل است و جوری نیست که مخاطب با او همراه باشد. در صحنه‌ای که فائزه و عبدالحمید در رستوران هستند و عبدالمالک نیز به دیدن آن‌ها می‌آید، پلیس ایران که حافظ منافع ملی است، نمی‌تواند عبدالمالک را بکشد چون کودکی در آغوش اوست یا کمی جلوتر، زمانی که باید به وظیفه‌ی خود عمل کند و فائزه را از بیمارستان با خود ببرد، به خواسته‌ی او عمل می‌کند.

عبدالمالک یک تروریست است ولی شخصیت او همانند

یک فیلسوف و عارف مذهبی، با آرامش جلوه داده شده و در داخل فیلم در مقابل اسلام اشتباه ریگی، از اسلام حقیقی رونمایی نمی‌شود.

گاهی اوقات پدر عبدالمالک فقط غر می‌زند و عامیانه قرآن می‌خواند ولی فاعلیتی ندارد. در واقع در فیلم هم شخصیت مثبتی برای مقابله نداریم. فائزه دختری نیمه باهوش است که کنش‌گر نیست. شاید بهتر بود این نقش در خلال فیلم بلوغ پیدا کند و مدافع بچه‌هایش و یا ارزش‌های دیگر باشد. فقط مادر

عبدالحمید می‌ماند که نمی‌تواند به قدر کافی اثرگذار باشد و بار مثبت بسیار کمی دارد.

به گفته‌ی خانم آبیبار، مساله‌ی اصلی ایشان در ساخت این فیلم، نشان دادن عشق دختر حتی در شرایط بحرانی است؛ حال آن‌که طبق نظر منتقدان، عشقی که در این اثر به نمایش گذاشته شده، عشقی سطحی است. عشق واقعی باید همراه خود پیامی را هم در بر داشت یا به آگاهی می‌رساند و از شخصیت این آدم فراتر می‌رفت و به ارزشی والاتر تبدیل می‌شد.

در کنار تمامی این نظرات در صحنه‌ای

از فیلم که فائزه برای تلفن به برادرش به بازار قصاب‌ها می‌رود، فضای حاکم بر صحنه با اتفاقی که در آینده خواهد افتاد، منطبق است ولی نکته‌ی قابل تاملی وجود دارد. در صحنه‌ای که مادر، کشته شدن پسرش را به صورت زنده می‌بیند، به

می‌کند که او را بکشد.

و در آخرین صحنه، تنها روزنه‌ی امید، رفتن مادر عبدالحمید به همراه بچه‌هاست که شاید آینده را بتوانند تغییر دهند.

در نهایت این که شجاعت کارگردان برای طراحی صحنه‌های اکشن و تنش‌آمیز، قابل تحسین است.

شجاعتی که با روحیه‌ی زنانه‌ی کارگردان در تناقض باشد ولی خانم آبیبار به خوبی از پس این کار

برآمده است. علاوه بر آن، سکانس‌ها با تنوع رنگ‌ها و روش فیلم‌برداری روی دست، از جمله نکاتی است که مخاطب را جذب فیلم خواهد کرد. با تمام انتقادات وارد شده به فیلم، این اثر قابل تامل و ثبت شده در تاریخ سینمای ایران می‌باشد؛ به دلیل برگزیدن یک موضوع از حوادث واقعی که مناقشات زیادی را هم در بر داشته و دیگر این‌که بازماندگان و خانواده‌های قربانیان این حوادث هنوز هم هستند و زخم‌هایی تازه دارند.

جای این‌که دوربین روی مادر باشد و زجر ناشی از دیدن این رویداد را نشان دهد، روی برادر زوم می‌کند که نشان دهنده‌ی عریان خشونت است.

در انتهای فیلم، دوربین از لحظه‌ی ورود عبدالحمید با او همراه است؛ یعنی روایت قتل فائزه از دیدگاه قاتل دیده می‌شود. یک قاعده وجود دارد و آن این است که اگر دوربین با یک شخصیت نباشد، نشان دهنده‌ی این است که فیلم‌ساز نیز با شخصیت نیست. از لحظه‌ی قبل از قتل فائزه تا لحظه‌ی کشتن و بعد از آن، شما ماجرا را از دیدگاه عبدالحمید می‌بینید؛ در واقع عبدالحمید عاشقی است که فائزه را دوست دارد ولی وظیفه‌ی تروریستی‌اش ایجاب





زهرا سلیمانی

خیانتی به بهانه حجاب



طرفدار واقعی زنان سرزمینش بود، صرفاً حجاب را که یک مسئله‌ی ظاهری و شاید درمقابل بسیاری از مطالبات مقدماتی‌تر است، نشانه نمی‌رفت.

این فرد، به دنبال ارتقای علم‌آموزی زنان، مسائل فرهنگی، تفریحی، ورزشی و ... نیست؛ بلکه به‌چوب‌کشیدن روسری، او را به اهداف حامیانش نزدیک می‌کند.

«معصومه علینژاد قمی» معروف به «مسیح علینژاد»، روزنامه‌نگار، نویسنده، فعال حقوق زنان و فمنیست ایرانی است. او در اریب‌هشت ۱۳۹۳ صفحه «آزادی یواشکی زنان در ایران» را در فیس‌بوک راه‌اندازی کرد که هدف آن به‌تصویرکشیدن تجربیاتی از نبود آزادی در پوشش، در زنان ایرانی بود و اخیراً فعالیت‌های او در شبکه‌های اجتماعی توئیتر و اینستاگرام نیز با هشتگ دختران خیابان انقلاب ادامه دارد.

به اشتراک گذاشتن پست‌هایی که تناقض زیادی دارند، از طرفی او فیلمی از ترکیه و تقابل زنان با حجاب‌های انتخابی و مختلف را نشان می‌دهد و می‌گوید: «اینجا ترکیه است. باحجاب و بی‌حجاب بدون هیچ مشکلی به حق انتخاب و پوشش هم احترام می‌گذارند و در کنار هم زندگی می‌کنند.» از طرفی سوژه‌ی فیلم‌های بعدی او به‌تصویرکشیدن زنانی باحجاب در ایران است که از اخلاق و انسانیت بویی نبرده‌اند و از دختران بی‌حجاب متنفرند و بالعکس.

گویا هدف او ایجاد فضایی برای بیان مطالبه آزادی در پوشش نیست؛ بلکه هدف، جریحه‌دار کردن ذهنیت افراد با پوشش‌های مختلف نسبت به یکدیگر است و هدف بزرگتر، بدبین کردن مردم نسبت به یکدیگر که با مسئله‌ی پوشش شروع شده و اتحاد کشور را به چالش می‌کشد. مگر نه این‌که هنر پیام موثر، تاثیر آن در

در تمام جوامع و دوران‌ها میل به دیده‌شدن در انسان‌ها وجود داشته و سعی می‌کنند به عناوین مختلف، خود را مطرح کنند.

در کنار این ویژگی، عموماً فعالیت‌های مربوط به کسب شهرت، بسیار پول‌ساز هم به نظر می‌رسد؛ پول و شهرت، دو کلمه‌ی وسوسه‌انگیز و ظاهراً جذاب! حال فکر کنید فرد دارای این ویژگی، استعدادی خاص مثل نویسندگی داشته‌باشد و به‌طور عمده، محتوای مطالب نویسندگان نیز آینه‌ای از تفکرات سیاسی، اجتماعی و حتی اعتقادی آن‌هاست.

هرچقدر جهت‌گیری این تفکرات به‌نفع مخالفان آن جامعه باشد، این افراد برای ایجاد جوی متشنج و مطابق برنامه‌های آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند. برای مثال یکی از برنامه‌های آمریکا برای ادعای تغییر نظام حاکم بر ایران، ناراضی کردن مردم ایران از حکومت یا ایجاد شکاف‌های قومی-مذهبی است که برای اعمال هر کدام از این‌ها طبیعتاً موارد مختلفی را در اتاق فکر خود بررسی می‌کنند و در این اتاق فکر، نقش زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، غیرقابل‌انکار است.

بدیهی است که یک «زن»، مناسب‌ترین گزینه برای تاثیر در افکار زنان جامعه خواهد بود زیرا می‌تواند با به‌تصویرکشیدن شرایط خود و حس همدردی کاذب، فضای نزدیک‌تری را ترسیم کند و با قیاس شرایط موجود در کشورهای دیگر که طبیعتاً دارای قوانین خاص خود و تفکرات متفاوتی هستند، موقعیت زنان ایرانی را به بدترین حالت ممکن القا کند.

فردی که از هیچ عرق و تعصب ملی برخوردار نیست و به‌راحتی مردم کشورش را در روزنامه‌ی «اعتماد ملی»، «دلفین‌های گرسنه» می‌نامد، یک شبه طرفدار زنان ایرانی می‌شود و نکته‌ی قابل توجه این‌که این فرد ظاهراً دلسوز، مطالبات زنان را در مسئله حجاب محدود می‌کند. درحالی‌که اگر

نزدیک‌ترین افراد پیام‌آورنده است، چگونه است که این فرد نمی‌تواند هیچ تاثیری در نزدیک‌ترین افراد زندگی‌اش حتی با دهه‌های مختلف بگذارد و درنهایت، خانواده‌اش از او اعلام برائت می‌کنند.

و یا اگر دلسوز آزار زنان در قالب یک روسری نازک زیر آفتاب است، پس چرا به مقدسات و خط قرمز عموم مردم ایران توهین می‌کند و با اشتیاق، فیلم رقص در مقابل مسجد، در شب شهادت امام معصوم را پست می‌کند؟

مگر ادعای روشن‌فکری و احترام به اعتقادات افراد را ندارد؟ آیا خواستار احترام یک طرفه است؟!

از کجا تضمین خواهد داد بعد از اختیاری شدن حجاب، مثل مردم به قول خودش ترکیه عمل شود و چارچوب خود را در رابطه با نوع پوشش، تفکرات و سلیقه‌ی افراد حفظ کند؟

مردم ایران برای آرامش و امنیت کنونی، شاهد پرپرشدن هزاران جوان خود بوده‌اند؛ بدون هیچ ادعا و هیچ چشم‌داشتی از خاک وطن خود و مردان و زنان آن دفاع کرده‌اند. دفاع کردند تا زنان سرزمینشان جزو غنایم بعد از جنگ محسوب نشوند. ادعای دلسوزی برای زنان ایران را دارد درحالی‌که بیش از سه میلیارد تومان از دولت آمریکا، آن هم جدای از حقوق عادی خود دریافت می‌کند. حتما انتظار دارد باور کنیم که یک خبرنگار مستقل با دغدغه‌ی دختران ایران است و آمریکا هم که علاقه‌ی شدیدی به ایران و مردم آن دارد، از سر خیرخواهی به حساب او پول واریز می‌کند!

بهرتر نیست آمریکا وقت بیشتری را به شهروندان خود اختصاص دهد و یا برای پلیس‌های خود کلاس اخلاق‌مداری برگزار کند تا وحشیانه به یک زن باردار شلیک نکنند؟!

باید از خود پرسید چرا یک خبرنگار باید چنین مبالغه‌هنگفتی را دریافت کند و چرا دولت آمریکا

باید چنین مبالغه‌ی را جهت از بین بردن پوشش اسلامی بانوان ایرانی خرج کند؟

پشت پرده‌ی حجاب چیست که رسانه‌های بیگانه تحت لوای دولت‌ها درصدد تضعیف آن هستند؟ علاوه‌بر این‌ها افرادی هم داخل کشور تحت حمایت پیش‌برد اهداف مسیح‌علینژاد قرار می‌گیرند!

چرا مایک پومپئو (وزیر امور خارجه‌ی آمریکا)، خواهان دیدار این خبرنگار می‌شود و به‌خاطر فعالیت‌هایش قدردانی می‌کند؟! اگر عملکرد او قابل قدردانی است، پس اجازه دهند فعال حقوق زنان آمریکا باشد؛ کشوری که هم‌اکنون در آن‌جا ساکن است و دسترسی بهتری به مشکلات و مطالبات زنان آن‌جا دارد.

و اما سخن آخر این‌که دشمنان قسم‌خورده‌ی ما برای ضربه زدن به جوانان این سرزمین، تمام راه‌های رفته و نرفته را امتحان می‌کنند و می‌دانند که به نفس‌های آخر خود رسیده‌اند. به چشم‌های پف‌کرده و قیافه‌ی عبوس مسیح‌علینژاد نگاه کنید و یا وعده‌ی پول برای ارسال یک فیلم ۶۰ ثانیه‌ای که همه‌گویی‌ای این مطلب است.

و بدانید که تاریخ ایران اثبات کرده مشکلات کشور ما فقط به دست توانمند مردان و زنان خودمان حل خواهد شد و نباید اجازه دهیم افراد خودفروخته‌ای که تحت حمایت‌های گوناگون، بی‌پرده از خط قرمزهای ما عبور می‌کنند به چهره‌های شناخته‌شده و موثری حتی برای اقلیت ما تبدیل شوند.

به امید روزی که زنان و دختران سرزمینم در سایه‌ی امنیت و آرامش و البته قوانین کشور، به مطالبات به حق خود دست پیدا کنند.



هفت ملاک مهم در انتخاب همسر:

اما مهم‌ترین ملاک‌ها، که در مرحله‌ی سوم گفته شد (به جز معیارهای ظاهری)، کدام‌ها هستند؟

۱- ایمان و دین‌داری

اولین و مهم‌ترین ملاک در انتخاب همسر دین‌داری می‌باشد.

رسول خدا(ص) می‌فرماید: «هرکس با زنی برای مالش ازدواج کند، خدا او را به همین امر واگذار می‌نماید و هرکس که برای جمالش ازدواج کند، به چیزی می‌رسد که از آن کراهت دارد و هرکسی که برای دین‌داری ازدواج کند، خداوند هرسه را برایش جمع می‌کند.»

پس قبل از هرگونه انتخابی، ابتدا از اعتقادات طرف مقابل سوال کنید.

۲- عقل و هوش

اداره و تداوم و پیمودن راه راست و حل مشکلات زندگی، کار آسانی نیست. اگر دوطرف با هم تفاهم داشته باشند و موقعیت یکدیگر و شرایط و امکانات زندگی را خوب درک کنند، می‌توانند زندگی را بر پایه‌ی صحیحی استوار سازند. همسر عاقل امکانات خانواده و شرایط و اوضاع زندگی را خوب درک می‌کند، توقعات بی‌جا و بلندپروازی ندارد تا همسرش را در فشار قرار ندهد. اکثراً اختلافات خانوادگی و کشمکش‌های زندگی، معلول جهالت و نادانی زن و شوهر یا یکی از آن‌ها می‌باشد. به‌علاوه، عقل و هوش زن و شوهر در فرزندان نیز تأثیر دارد. فرزندان خانواده‌ی خوش‌فهم و باهوش، غالباً زیرک می‌شوند و برعکس، حماقت و نادانی پدر و مادر نیز در فرزند تأثیر دارد.

۳- اصالت خانوادگی

اصالت و شرافت خانوادگی یعنی خوش‌نامی، نجابت، پاکیزه بودن، دین‌داری و بزرگواری. این موارد، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعالی همسران دارد و زمینه‌ساز تربیت فرزندان سالم، صالح و بانشاط است.

۴- سلامت جسم و زیبایی ظاهری

سلامت جسم از نعمت‌های بزرگ الهی و از مزایای یک همسر است. در روایت است با کسانی که بیماری‌های مسری دارند ازدواج نکنید. زیبایی امری نسبی است و باید توجه داشت مجموعه‌ای از مشخصات ظاهری و رفتاری هر فرد او را زیبا یا زشت جلوه می‌دهد. درخصوص زیبایی ظاهری باید توجه داشت پاکیزگی و آراستگی مردان، در برقراری روابط سالم و حفظ حریم خانواده مؤثر است.

۵- کفویت و همتایی

همتایی، هماهنگی و هم‌ترازی بین همسران، یکی دیگر از معیارهای انتخاب همسر است.

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر و هم‌ترازی علمی و نیز تناسب سنی، از موارد مهم کفویت و همتایی می‌باشد.

۶- اخلاق نیک

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «اگر کسی به عنوان خواستگاری به نزد شما آمد که خلق و دینش را می‌پسنید، با او ازدواج کنید و اگر به این دستور عمل نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به‌وجود خواهد آمد.»

زندگی با زن و مردی دارای کمالات و زیبایی، اما بد اخلاق و بدرفتار و تندخو، رنج آور خواهد بود و انسان هر روز آرزوی مرگ می‌کند. بنابراین شرط اساس زندگی سالم، صمیمی، با نشاط و با صفا، داشتن همسری خوش اخلاق و عفیف و نیک‌گفتار است.

۷- عفت و پاکدامن

بنابر روایت، خداوند متعال می‌فرماید: «وقتی اراده کنم که خیر دنیا و آخرت را برای یک مسلمان جمع کنم، قلبی خاشع و زبانی ذاکر و تنی صابر بر بلا به او عطا می‌کنم و همسری به او می‌دهم که از نگاه کردن به وی شادمان شود و آن زن در غیاب شوهر از نفس خودش و مال شوهرش نگهداری کند.»

اگر پدر و مادر بدرفتار و ناپاک باشند و توجه به دستورات شرعی نداشته باشند، در اخلاق و روش کودک، اثر نامطلوبی برجای خواهد گذاشت و اغلب کودکان و بخصوص دختران، قدم جای پای مادران می‌گذارند.

اهمیت تحقیق در امر ازدواج

از آن جا که مسئله‌ی ازدواج و تشکیل خانواده، موضوعی حیاتی است و برای هر کس معمولاً یک بار در طول زندگی‌اش این فرصت طلایی پیش می‌آید و دختر و پسر می‌خواهند برای خود شریکی در زندگی انتخاب کنند که تا پایان عمر با او زندگی نمایند، شریکی که فرزندان را پرورش داده و از آن‌ها انسان‌هایی برومند به وجود آورند، بنابراین عقل ایجاب می‌کند که انسان درباره‌ی همسر آینده‌اش تحقیق کند و خصوصیات اخلاقی و ویژگی‌های روحی او را بررسی و مطالعه نماید که این همسر توسط چه پدری پرورش یافته و در دامن چه مادری رشد نموده است؟ و در چه محیط و مکانی رشد پیدا کرده است؟ با چه دوستانی معاشرت داشته است؟ کردار و رفتار وی در محل کار و تحصیل، چگونه بوده است؟ مسئولیت‌پذیری وی چگونه است؟ اعتقادات و توانایی‌هایش چه است؟ در رابطه با رعایت حقوق دیگران چگونه عمل کرده است؟ ویژگی بارز اخلاقی وی چیست؟ به یاد داشته باشید که صرف داشتن آشنائیت با خانواده‌ی طرف مقابل، موجب عدم انجام تحقیقات نمی‌شود و امر تحقیق باید تا زمان عقد ادامه یابد.

مامانم همیشه میگه تا وقتی یکیو پیدا نکردی که برات مثل بچه‌ها باشه، نرو توی رابطه؛ ازدواج نکن!

یه بار که پرسیدم یعنی چی، گفت یعنی مثل بچه ای که از گوشت و پوست و استخون خودت باشه برات؛ نه خوبشو، نه بدشو، نه خوشگلشو، نه زشتشو، نه داراشو، نه فقیرشو حاضر نباشی با کس دیگه ای عوض کنی. هر عیب و ایرادی هم که داشته باشه دلت نخواد یکی بهترشو بیاری به جاش؛ چون برات بهترینه در هر حالتی...

وقتی ازدواج کن که مطمئن باشی میتونی توی سختیا، نداریا، مریضیا یا گرفتاریا مثل یه مادر بمونی به پای آسمون ابری و آفتابی زندگی طرفت؛ گاهی عینک آفتابی بزنی، گاهی هم چتر بگیری دستت!...

گاهی اوقات افراد برای تشکیل زندگی مشترک آنقدر تعلل میکنند که فرصت‌هایشان از بین می‌رود و گاهی نیز آنقدر باعجله تصمیم می‌گیرند که پشیمان می‌شوند.

همه‌ی افرادی که از ازدواج و زندگی مشترک می‌ترسند، آن‌قدر صبر می‌کنند تا به اصطلاح پخته شوند و توانایی تشکیل و اداره‌ی یک زندگی مشترک را داشته باشند؛ اما این کار مثل این است که قبل از این‌که دوچرخه‌سواری یاد بگیرید، سعی کنید سوار دوچرخه شوید. ما وقتی سوار دوچرخه می‌شویم، دوچرخه‌سواری یاد می‌گیریم.

پس تا زمانی که وارد زندگی مشترک نشده باشیم، با تجربه و به اصطلاح (پخته) نخواهیم شد.

در زندگی مشترک هم خواه ناخواه با مشکلات اجتناب‌ناپذیری مواجه خواهیم شد؛ اما نکته‌ی مهم و اساسی آن است که می‌توان با انتخاب صحیح و داشتن هدف روشن از ازدواج، چنین مشکلاتی را به حداقل کاهش داد.

هفت‌خوان مهم در انتخاب همسر

۱. مرحله‌ی اول: خودتان را درست بشناسید و دلیل ازدواج خود را مشخص کنید و سوالاتی از این قبیل را از خود بپرسید: آیا برای پول ازدواج میکنم؟ برای کسب آرامش؟ برای فرار از خانه‌ی پدری؟ برای ظاهر و یا اخلاق طرف مقابل؟ خودشناسی، سبب تعیین هدف و برنامه‌ریزی برای زندگی می‌شود.

۲. مرحله‌ی دوم: همسر آینده‌تان را براساس خواسته‌ها و موقعیت فعلی خود تصور کنید. کسی که خواهان زندگی با یک فرد تحصیل کرده‌ی هنردوست است، بهتر است خود نیز تحصیل کرده و هنردوست باشد.

۳. مرحله‌ی سوم: معیارهای خود را انتخاب کرده و آن‌ها را آزمایش کنید. رایج‌ترین معیارها، تفاوت سن، تفاوت قد، تفاوت ظاهر، تفاوت تحصیلات، تفاوت طبقاتی، تفاوت قومی، تفاوت زبانی و درنهایت ملاک‌های دینی و معنوی؛ که در ادامه‌ی مطلب به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، هستند.

۴. مرحله‌ی چهارم: اجتماعی باشید تا دایره‌ی انتخاب‌های خود را وسیع‌تر کنید.

۵. مرحله‌ی پنجم: فکرتان فقط مشغول ظواهر امر (مانند کافی‌شاپ رفتن و کادوهای رمانتیک دادن و مراسم عروسی) نباشد و عاقلانه فکر و رفتار کنید.

۶. مرحله‌ی ششم: شناخت بهتر همسر احتمالی‌تان از طریق برقراری ارتباط کلامی یا غیرکلامی می‌باشد. شما می‌توانید با معاشرت در دوران نامزدی و یا پرسش سوالات اساسی در طول جلسات خواستگاری، صحبت نمودن با طرف مقابل و... شناخت زیادی از او به‌دست آورید.

۷. مرحله آخر: جمع‌بندی وضعیت و گرفتن تصمیم نهایی است. تمام نظرات و تفکرات را کنار هم بچینید و جنبه‌های مثبت و منفی ازدواج با این فرد را کنار هم مقایسه کنید و سپس با ارزیابی درست آن‌ها تصمیمتان را به والدینتان اعلام کنید.

حجاب گرونه!

خون من برنده تر است.» باید کاری کنیم که چادر به عنوان کالای فرهنگی در جامعه شناخته شود.

از نتایج گرفته تا مسئولان آمریکا، همگی می‌گویند تا زمانی که چادر بر سر زنان ایرانی است، ما نمی‌توانیم با ایران کار داشته باشیم. من در گوشه‌ی بازار این حرف‌ها را می‌شنوم و درک می‌کنم. چطور مسئولان این را درک می‌کنند؟

بحث مانتوهای کوتاه و بدون دکمه، یک کار هدایت شده است. در زمان جنگ، موشک می‌خورد به جایی و صدایش درمی‌آید؛ اما الان جنگ با موشک نیست و متاسفانه در همه‌ی منازل وارد شده است. ما هم در مقابل این حملات، نیروهای مدافع نداریم یا اگر هم داریم، مثل سال‌های نخست جنگ پراکنده هستند. در حال حاضر کسانی که در حوزه‌ی محصولات فرهنگی و حجاب کار می‌کنند، گلوله و پشتیبانی ندارند.»

اسدالله سلیمانی در پاسخ به این‌که آیا کم‌رنگ شدن لباس اسلامی را تهدیدی برای نسل آینده می‌دانید یا خیر، اظهار کرد: «این نگرانی تاحدودی وجود دارد اما خوشبختانه فطرت زن ایرانی و اعتقاد آن‌ها باعث می‌شود خیلی نگران این مسئله نباشیم. با این‌که قیمت چادر سه برابر شده، اما خانم‌ها می‌گویند فلان چیز را نمی‌خریم و به جایش چادر می‌خریم. باید مانع در غربت قرار گرفتن فروشندگان و استفاده کنندگان حجاب شویم و در این زمینه سرمایه‌گذاری کنیم.»

با اتمام به وضعیت موجود، آشنایی با نوع و جنس چادر مورد نظر و ویژگی‌های آن‌ها از الزامات خرید آن می‌باشد؛ چرا که با این شرایط، به زحمت خرید حتی یک چادر، درتوان اقتصادی خانواده‌های ایران اسلامی است.

به همین منظور، در ادامه‌ی مطلب به معرفی انواعی از چادر و اجناس آن‌ها خواهیم پرداخت.

چند ماهیست بین اخباری که از بازار به گوش می‌رسد، گرانی اجناس مختلف، جزو لاینفک این تازه‌های خبری شده است و اقشار مختلف جامعه تحت فشار اقتصادی قرار گرفته‌اند. گرچه شاید بتوان گفت که این اخبار، کمی خنک شده‌اند یا چه بسا که مردم از این ضربات پیاپی بی‌حس شده‌اند!

در میان این اقلام، چادر هم مستثنی نیست و نباید از این قیمت‌های سربه فلک کشیده، به راحتی رد شد!

مدیرعامل انجمن تولیدکنندگان محصولات عفاف و حجاب می‌گوید: «مواد اولیه‌ی تولید کنندگان لباس و چادر، سال گذشته ۱۲۵۰۰ تومان بود؛ در حالی که امسال به ۳۶ هزار تومان رسید. یعنی سه برابر شده است. نتیجه‌ی این افزایش قیمت به ضرر تولید کننده و مشتری تمام می‌شود. برای مثال یک خانم محببه که سال گذشته یک چادر را ۱۵۰ هزار تومان می‌خرید، امسال باید آن را ۵۰۰ هزار تومان بخرد!»

نتیجه‌گیری این وضعیت، شاید سیاستی باشد از نوع کشف حجاب نرم... وی ادامه داد:

«در کشور ما در ارتباط با پوشش‌های اسلامی، اهمیتی وجود ندارد. وقتی در جلسه‌ای ۱۸ میلیارد دلار برای مواد خوراکی، حیوانات، کلاه گیس، موبایل و ... ارز تخصیص داده می‌شود، اما از تخصیص ارز برای لباس و چادر که ۹۳ درصد آن وارداتی است، صحبتی به میان نمی‌آید، یعنی دغدغه‌ای برای آن وجود ندارد.

باید بگوییم گناه کسانی که به دلیل گرانی چادر را زمین می‌گذارند، بر گردن مسئولی است که به همه چیز ارز تخصیص می‌دهد اما به چادر نه! هدف ما کمک به عملی کردن توصیه دین برای حفظ حجاب است.

ما در کف بازار مدل‌ها و لباس‌های اسلامی را نمی‌بینیم. ۲۳۰ هزار شهید دادیم که ۱۷۰ هزار نفر از آن‌ها در وصیتنامه‌هایشان نوشته‌اند: «خواهرم حجاب تو سنگر من است، پس سنگرت را حفظ کن.» و یا «حجاب تو از

چادر ملی



چادر ملی برگرفته از چادر ساده‌ی ایرانی است؛ با این تفاوت که دارای آستین‌هایی برای بیرون آوردن دست‌ها می‌باشد که آستین می‌تواند کلوش یا راسته باشد و معمولاً با حریر یا نوار و یا منجوق‌دوزی تزئین می‌شود. جلوی چادر می‌تواند باز باشد و یا به وسیله‌ی زیپ و دکمه مخفی بسته شود.

مزایا: این چادر به افراد آزادی عمل بیشتری می‌دهد بدون آنکه لازم باشد چادرشان را نگه دارند.

برای خانم‌های بچه‌دار و دانشجو توصیه می‌شود. با این چادر رانندگی بسیار راحتی هم خواهند داشت.

چادر دانشجویی



چادر دانشجویی کاملاً شبیه به چادر ساده‌ی ایرانیست. با این تفاوت که برای بیرون آوردن دست‌ها، شکاف‌هایی در نظر گرفته شده که می‌توانید بدون به هم زدن فرم چادر، به راحتی از دو دست خود برای انجام کارهایی از قبیل حمل کیف و یا گرفتن دست کودک استفاده کنید. برخی از تولیدی‌ها در قسمت شکاف، یک مچ ۵ سانتی تعبیه می‌کنند و برخی دیگر با نوار تزئینی به آن جلوه می‌بخشند. البته باید در نظر داشته باشید که کشش مچ ممکن است مقداری روی دست، آزاددهنده باشد و به همین دلیل نیاز به پرو دارند. شاید برای استفاده در مهمانی‌ها هم خوب باشد. اما ایرادی که دارد، این است که وقتی برای برداشتن چیزی دست را دراز کنید، حس می‌کنید چادر کشیده می‌شود و راحت نیست.

مزایا: در چادر دانشجویی امکان استفاده از کیف در زیر چادر وجود دارد.

امکان روگیری در این چادر، همانند چادر سنتی ایرانی فراهم است و هم‌چنین به واسطه‌ی کش تعبیه شده در ناحیه‌ی سر، در صورت عدم روگیری بر روی سر می‌ماند. در کل خیلی مرتب و شیک به نظر می‌آید.

چادر ساده



چادر معمولی یا همان چادر گرد، یکی از پرطرفدارترین‌هاست. حتی خانم‌هایی که همیشه چادر نمی‌زنند هم یک چادر معمولی در کمده‌شان دارند. چادر ساده‌ای که به عقیده‌ی خیلی‌ها شیک‌ترین است. اما خب واقعیت این است که هنگام خرید، بچه داری، گرفتن چتر و هل دادن کالسکه و... دست و پا گیر است.

مزایا: این چادر یکی از راحت‌ترین چادرهاست.

حجاب خوبی دارد.

هیچ وقت قدیمی نمی‌شود.

آدم را خیلی چاق نشان نمی‌دهد و در عین حال شیک است.

چادر کم‌ری یا قاجاری



چادر کم‌ری یا قاجاری یکی از قدیمی‌ترین مدل‌های چادر در ایران است که در دوران حکومت قاجاریه رواج داشته و به همین دلیل نام دیگر آن را چادر قاجاری می‌نامند. مانند پیراهن از سر پوشیده می‌شود و از پشت، یک‌سره است ولی از جلو دو تکه به نظر می‌رسد. این چادر با کمربندی از پشت گره می‌خورد. به همین خاطر از سنگینی چادر گرفته می‌شود. قسمت بالایی که دسته‌های چادر است، با کش روی سر ثابت شده و بلندی آن تا زانو می‌رسد. اگر شخص رو بگیرد، دو تکه بودن آن مشخص نمی‌شود. در مدلی از آن، قسمت بالا مثل یک مقنعه‌ی آستین‌دار است. مقدار پارچه‌ی این چادر به اندازه‌ی چادر ساده است.

مدلی که دستک‌های بلند تا روی زانو دارد و در قسمت دامن، جیبی دارد به مدل «حسنا» معروف است.

مزایا: باتوجه به عرض زیاد این چادر، برای افراد درشت اندام و خانم‌های باردار مناسب است.

امکان روگیری نیز با این چادر فراهم است.

چادر عربی



چادر عراقی همان چادر عربی است. در این مدل هم روی خود چادر برای بیرون آوردن دست‌ها برشی ایجاد شده است. با این تفاوت که دیگر حتی مچ هم ندارد. در داخل چادر و روی کمر به اندازه‌ی ۳۰-۲۰ سانتی‌متر از پارچه‌ی چادر باقی می‌ماند. جلوی این چادر باز است و برای تهیه‌ی آن به ۷/۵ متر پارچه با عرض ۹۰-۱۰۰ سانتی‌متر نیاز است. آماده‌ی آن در بازار موجود است اما باید هنگام خرید مواظب بود که به جای چادر، عبا فراهم نشود. زیرا قسمت دوخت شانه در عبا و چادر متفاوت است.

چادر عبایی یا جده



این مدل چادر از اصیل‌ترین چادرهای عربی می‌باشد که در میان اعراب به عبا معروف است. در چادر جده پارچه‌ی زیادی به کار رفته شده و همین امر باعث عریض شدن این مدل می‌گردد و عرض زیاد آن، پوشش کامل و راحتی را برای بانوان به همراه دارد.

حال که با انواع مدل‌های چادر آشنا شدید، بد نیست کمی هم درباره‌ی انواع جنس‌های چادر بدانید!

انواع پارچه‌ی چادر مشکی

پارچه‌های چادر مشکی در انواع و اقسام مختلفی تولید می‌شود. عکس و نام انواع پارچه‌ی چادر مشکی را در ادامه برایتان تدارک دیده‌ایم و در این بخش به معرفی انواع پارچه‌های چادر مشکی خواهیم پرداخت. پارچه‌های چادری جنس‌های متفاوتی دارند و هر جنس معمولاً در شرایط خاصی استفاده می‌شود. هم‌چنین وزن پارچه‌ها متفاوت است. قبل از انتخاب جنس پارچه باید مشخص کنید چادر را برای چه محیطی می‌خواهید استفاده کنید.

چادر لبنانی



در مدل اصلی آن اگر شخصی که چادر سر کرده دست‌هایش را باز کند، شما یاد مانتوهای کلوش (خفاشی) می‌افتید. زیرا این چادر آستین ندارد بلکه جایی برای بیرون آوردن دست‌ها روی چادر ایجاد شده و یک مچ ۱۰ سانتی‌متری به آن دوخته شده‌است. با کش روی سر می‌ایستد و جلوی آن به صورت مورب یعنی چپ و راست بسته می‌شود. به این صورت که به لبه‌ی طرف راست، کش به اندازه‌ی مچ دوخته می‌شود که آن را به دست چپ می‌اندازند و سمت چپ چادر در پهلوی راست نگه داشته می‌شود. چادر از زیر چانه و روی سینه به وسیله‌ی یک دکمه بسته می‌شود. برای تهیه‌ی این چادر به ۳/۵ متر پارچه با عرض ۱۸۰ سانتی‌متر نیاز است. مزایا: پوشیده بودن این چادر به شما این امکان را می‌دهد تا در زیر آن لباس راحت‌تری بپوشید؛ زیرا به هیچ وجه باز نیست.

معرفی انواع پارچه‌های چادری

پارچه‌های مجلسی

معمولاً طرح‌های برجسته دارند و ضخامت چادر، بسته به طرح‌های آن متفاوت است و رنگ آن‌ها کمی براق می‌باشد. در طراحی چادرهای مجلسی، از حاشیه‌های طرح‌دار و کار شده نیز استفاده می‌شود که زیبایی چادر را بیشتر می‌کند. این حاشیه‌ها می‌تواند با رنگ چادر یکی باشد یا از رنگ‌های متضاد باشد. برای همین، پارچه‌های مجلسی همان‌طور که از نامش پیداست، در مجالس و مهمانی‌ها استفاده می‌شود.

پارچه‌های ساده

غالباً برای دوخت چادرهای مدل‌دار و استفاده‌ی روزمره کاربرد دارد. البته برخی بانوان برای امور روزمره هم ترجیح می‌دهند از چادر طرح‌دار استفاده کنند. جنس پارچه‌ی چادر در سنگینی آن بسیار تاثیرگذار است؛ پس اگر می‌خواهید برای استفاده‌ی روزانه از آن‌ها استفاده کنید، بهتر است پارچه‌های سبک‌تری انتخاب کنید تا احساس سنگینی و فشار نداشته باشید.

پارچه‌ی چادری کرپ حریر اسود

تار و پود این پارچه با تراکم ۴۵۰ است و پارچه‌ای بسیار سبک وزن و در عین حال مشکی و ضخیم می‌باشد. پارچه‌ی حریر اسود کرپ محصول کشور کره، پارچه‌ای مقاوم بوده که برای استفاده‌ی روزانه مثل حضور در دانشگاه، محل کار، بازار و ... کاربرد دارد. به اصطلاح، «بشور بپوش» و مناسب محل کار است.

پارچه‌ی چادری کریستال

تراکم پارچه‌ی چادری کریستال ۶۵۰ است و به دلیل رنگ‌رزی دوباره، به کرپ دبل نیز در بازار معروف است. کیفیت پارچه به شکلی است که علاوه بر وزن سبک به هیچ وجه بدن نما نبوده و هم‌چنین به دلیل ۲ بار رنگ شدن متقال پارچه فوق العاده مشکی می‌باشد. بر خلاف تصور اکثر بانوان محترم، پارچه‌ی کریستال اصل به هیچ وجه براق نیست. این پارچه به دلیل ریزشی که دارد، برای چادرهای مدل‌دار مناسب می‌باشد.

چادر صدفی لبنانی



مدل کلی آن شبیه لبنانی است. با این تفاوت که در بالای سر آن مقنعه‌ای و یا چانه دارد و از جلو زیپ می‌خورد. این مدل با پوششی کامل و زیبا برای خانم‌های شاغل بسیار مناسب است.

زهرا امینی

حتماً مدل‌های دیگری از چادر وجود دارد که در این مطلب به آن‌ها اشاره نشده است اما افراد زیادی از آن‌ها استفاده می‌کنند. مدل‌هایی هم بعداً به بازار خواهد آمد که شاید بهتر از مدل‌های فعلی باشند و ما که نمی‌دانیم شاید هم بدتر باشند! و موضوع مهم این است که هر خانم ایرانی همان‌طور که چند مانتو دارد، به چند چادر برای استفاده نیاز دارد. چادر مهمانی با چادر دانشگاهش متفاوت است؛ چادر جشن با چادر روزمره‌اش فرق دارد و هر جایی چادر خاصی می‌طلبد. اما هم‌چنان چادر لباسی است که به تنهایی می‌تواند با مدرگرایی و اسراف مبارزه کند و نماد ساده زیستی باشد. چرا که می‌توان یک چادر ساده و معمولی داشت و با آن همه جا رفت و هرگز قدیمی نمی‌شود.

اما چیزی که بر همه روشن است و بر هیچ کس پوشیده نیست، این است که جای خالی پارچه‌های چادری ایرانی به وضوح حس می‌شود. چادرهای کره‌ای و ژاپنی بازار، چادر مشکی را تسخیر کرده‌اند و شاید در هیچ مغازه‌ای پارچه‌ی چادر مشکی ایرانی پیدا نکنیم. هرچند جدیداً کارخانه‌جات نساجی به تولید پارچه‌ی چادر مشکی روی آورده‌اند اما هنوز نتوانسته‌اند بازار را در دست بگیرند و هم‌چنان مهجور هستند.

شغل من. مادری است



چند وقت پیش در یک مستند تماشا می‌کردم که در یک جمع زنان آلمانی، یک نفر به عنوان پرسش‌گر سوال پرسید: «شغل شما خانم‌ها چیست؟»

همه‌ی آن‌ها یک صدا گفتند: «ما مادر هستیم!»

پرسش‌گر خود تعجب کرد و گفت: «چه با افتخار... مادر هستید...»

بله در آلمان مادر بودن یک افتخار است!

اما به کشور خود بازگردیم. در ایران، مردم چه دیدگاهی به مادر بودن و هم‌چنین شاغل بودن یک زن دارند؟ چرا در ایران به زنانی که در خانه مشغول تربیت فرزندانشان هستند، خانه‌دار گفته می‌شود؟

امروز که تفکرهای متفاوتی در جامعه‌ی ما در حال گسترش هستند، من به عنوان یک خانم، باید دنبال کدام تفکر بروم؟

در جامعه‌ی ما، مخصوصاً در فضای مجازی حرف‌هایی که در مورد حمایت از حقوق زنان است، چه مقدار مرا یاری می‌کند؟

گروه‌های فمینیستی که خواهان تغییر سنت و رسوم و دیدگاه‌های نامناسب هستند، چه مقدار به باطن زندگی من توجه می‌کنند؟

این افکار که نوظهور نیستند، فقط با بیان تفاوت‌ها گفته می‌شود؛ گاهی واضح و گاهی در لفافه. افکار فمینیستی پست مدرن و مدرن، با پشتوانه‌ی فمینیست رادیکال، در حال تزریق این افکار در مادران ما هستند.

اما این تفکرات چیست؟ آن‌ها در حین حمایت از زنان، نقش مادری را به گونه‌ای بی‌ارزش جلوه می‌دهند که اگر من مادر شوم، دچار بدبختی بی‌انتهایی می‌شوم چون در دام جنس و دستگاه تولید مثل خود افتاده‌ام؛ چون شاید به آن پاسخ صحیحی داده‌ام و شاید چون کاری را که دوست داشته‌ام انجام داده‌ام.

فمینیست‌ها نقش مادری را به گونه‌ای تحلیل می‌کنند که گویا سبب بردگی زنان در آن‌ها شده است.

اما آیا در واقعیت، مادر شدن راه پیشرفت مرا می‌گیرد یا به نشاط زندگی من و خوشبختی من می‌افزاید؟

اگر بخواهم به طور علمی جواب این سوال را بدهم، باید بگویم مادری به یک نوع از انسانی بودن، الزامات بیولوژیکی یا زنانگی اطلاق می‌شود. در دیدگاه تعینی بیولوژیکی، مادر بودن را سرنوشت طبیعی و بیولوژیکی زنان می‌دانند؛ در چنین رویکردی، رفتار مادری کارکرد غریزه‌ی مادری است و در طبیعت و بیولوژی انسانی ریشه دارد.

پس من اگر بخواهم زندگی سالمی داشته باشم، باید ابتدا به نیازهای بیولوژیکی خود پاسخی صحیح بدهم.

اما مادر نشدن من به ضرر چیست؟ آیا کسی جز من؟

من به عنوان یک دانشجو که در آینده شاغل خواهم شد، وظیفه‌ام را خواهم انجام داد و به جامعه‌ام خدمت خواهم کرد اما نیاز من را چه کسی پاسخ خواهد داد؟ چه حسی جایگزین حس مادری برای من خواهد شد؟

من خواهان عدالت به جای تساوی در جامعه‌ام هستم. من می‌خواهم مرا به عنوان یک مادر بپذیرند و در مشکلات و مسائل و سختی‌های مادری مرا کمک کنند.

فاطمه امیرخانی

آئینه جمال

شاید نوشتن از فلان مادته‌ی تاریخی یا فلان اتفافی که در عصر فلان ساعت خودش را در زندگی‌ام جا داد، پندان هم دشوار نباشد.

اما محیقتاً کَلک شکسته و زبان ناطقه‌ام عاجز می‌شود به‌هنگام بیان واژه‌ی زن... برایم سفت است که بنویسم از جنس زنی که صرفاً یک مادر می‌شود و گاهی یوتاب و کاساندان و متی آرتمیس! که می‌آورم که بنویسم از این واژه‌ی لطیف با رومی طغیان‌گر که توام از عشق و محبت است...

و چه‌کسی می‌تواند به‌جا آورد سهم توصیف تمام دوستت دارم‌هایی که می‌مکد از چشم‌های یک زن رانده‌شده از جانب عشق را!

و چه کسی منکر آن می‌شود که چرا باید در پایان هر تاریخ، تنها نام یک مرد بدرخشند؟ بی‌آنکه گفته‌شود همین «مرد»

دست ماصل تربیت‌شده‌ی یک زن است...

و شاید پشت پرده‌ی ماصل همین تاریخ‌ها، زن محشوقه‌ای بوده‌باشد که کن فیکون دنیا به طرز نگاه او وابسته بوده‌است...

همین زن که گاه دست‌کم و به قول بعضی مذهب‌نماهای متمبر «نیم عقل» و «ضعیفه» در نظر گرفته می‌شود، با تمام ظرافت و وسعت منتهای رویاهایش، نویسنده و شاعر کرده‌است تمام مردهای جهان را...

و یک‌به‌یک فط می‌زند تمام شیفتگان خود را و در آخر یک نفر را می‌کند سهم تمام گوشه گوشه‌ی دلش...

و فراموش نکنیم که:

آن مدیث که نقل از پیمبر است!

«بنت، نهان زیر قدم‌های مادر است...»

به قلم محدثه جهان‌بخشی



در هر گوشه‌ای از این دنیا که نگاه می‌کنیم، شاهد
مناظر رنگی هستیم!

هر چیزی در دنیا رنگی دارد و اگر رنگش نباشد دیگر
رومی نخواهد داشت.

اما در میان تمامی این رنگ‌ها، دنیایی ماورای
تمامی باورها وجود دارد که رنگ‌هایش مانند یک
مداد رنگی ۲۴ رنگ متفاوت و نقش و نگارش قالی
کرمان است!

دفتر بودن دنیایی دارد به سختی یک سنگ و به
لطافت یک پرا!